



دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان پایان نامه :

هدایت و ضلالت از منظر حکمت متعالیه و کلام امامیه و تطبیق آن با آیات و روایات

استاد راهنما:

دکتر علیرضا کهنسال

استاد مشاور:

دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی

نگارش:

سیده نفیسه حسینی

فروردین ۱۳۹۲

چکیده

یکی از مباحث بسیار مهم که آثار تربیتی و عقیدتی متعددی بر آن مترتب است و نقش اساسی در زندگی انسان دارد موضوع هدایت و ضلالت می‌باشد. پژوهشی که در پیش رو دارید در پی تبیین معنا، مراتب و اقسام هدایت و ضلالت است. به علاوه به عوامل و موانع هدایت و همچنین ویژگی‌های مهتدین و مضلین پرداخته می‌شود. علاوه بر این نقش اختیار انسان و فاعلیت خداوند در هدایت و ضلالت نیز تبیین می‌گردد. پس از بررسی موارد فوق به این نتیجه رهنمون شدیم که اعتقادات و اعمال بر طبق تعالیم و حیانی مضمول هدایت الهی قرار گرفتن انسان می‌شود و تبعیت از هوای نفس و جهل سبب گمراهی انسان می‌گردد. همچنین هدایت و ضلالت صفت ذات نیستند و در مقام فعل، ضلالت امری است عدمی، ولی از آن جا که این انتخاب با اراده خود انسان است و این اراده را خداوند در اختیار او قرار داده است، ضلالت به خداوند نسبت داده می‌شود. روش تحقیق در این پایان‌نامه، کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ۱- حکمت متعالیه ۲- ضلالت ۳- هدایت

فهرست مطالب

فصل اول: طرح تحقیق.....	۱
۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- تعریف مسأله و تبیین موضوع.....	۴
۳-۱- پیشینه تحقیق.....	۴
۴-۱- سوالات اساسی تحقیق.....	۴
۵-۱- پاسخ‌های احتمالی به سؤالات اساسی تحقیق.....	۴
۶-۱- ضرورت تحقیق و هدف.....	۶
۷-۱- روش انجام تحقیق.....	۶
۸-۱- ساختار و بدنه اصلی تحقیق.....	۶
۹-۱- محدودیت‌های پژوهش.....	۶
۱۰-۱- نتیجه‌گیری.....	۷

فصل دوم: هدایت و ضلالت در تفسیر، کلام و حکمت.....

۱-۲- مقدمه.....	۹
۲-۲- هدایت و مشتقات آن در قرآن.....	۹
۳-۲- معانی هدایت در کتب تفسیر.....	۱۰
۴-۲- ضلالت و مشتقات آن در قرآن.....	۲۰
۵-۲- معانی ضلالت در کتب تفسیر.....	۲۱
۶-۲- معانی هدایت و ضلالت در نزد متکلمین.....	۲۹
۱-۶-۲- نظر سید مرتضی در مورد معانی هدایت و ضلالت.....	۲۹
۲-۶-۲- دیدگاه شیخ طوسی در معانی هدایت و ضلالت.....	۳۰
۳-۶-۲- نظر خواجه نصیر و علامه حلی در معانی هدایت و ضلالت.....	۳۲
۴-۶-۲- دیدگاه عبدالرزاق کاشانی در معانی هدایت.....	۳۳
۵-۶-۲- نظر محمد حسن آل یاسین در معانی هدایت و ضلالت.....	۳۴
۷-۲- معانی هدایت و ضلالت از منظر حکمت متعالیه.....	۳۵
۸-۲- نتیجه‌گیری.....	۳۹

فصل سه: مراتب و اقسام هدایت و ضلالت.....

۱-۳- مقدمه.....	۴۱
۲-۳- نظر صدرالدین شیرازی در اقسام و مراتب هدایت.....	۴۱
۳-۳- مراتب هدایت.....	۴۶
۱-۳-۳- راه رسیدن به مراتب هدایت.....	۴۷
۴-۳- علت نیاز انسان به هدایت و هدایتگر.....	۴۷
۵-۳- نظر علامه طباطبایی در اقسام هدایت.....	۴۹
۱-۵-۳- هدایت تکوینی عامه.....	۴۹
۲-۵-۳- هدایت تشریحی.....	۵۰
۳-۵-۳- فرق بین هدایت به معنای ارائه طریق و ایصال به مطلوب.....	۵۲

۵۳	۶-۳- نظر استاد مطهری در مورد هدایت الهی.....
۵۴	۱-۶-۳- مراتب هدایت.....
۵۵	۷-۳- نظر آیت الله جوادی آملی در اقسام هدایت.....
۵۵	۱-۷-۳- هدایت مطلق و فراگیر (عام).....
۵۶	۲-۷-۳- هدایت ابتدایی تکوینی و تشریحی.....
۵۷	۳-۷-۳- هدایت پاداشی و خاص.....
۵۸	۴-۷-۳- هدایت بالاصاله و هدایت بالتبع.....
۵۸	۱-۴-۷-۳- تفاوت‌های هدایت تکوینی و هدایت تشریحی.....
۵۹	۸-۳- دیدگاه آیت الله سبحانی در مورد اقسام هدایت.....
۵۹	۱-۸-۳- هدایت عامه تکوینیه.....
۶۰	۲-۸-۳- هدایت تشریحی.....
۶۰	۳-۸-۳- هدایت خاص.....
۶۶	۹-۳- اقسام ضلالت.....
۶۷	۱۰-۳- نتیجه‌گیری.....

فصل چهارم: عوامل و موانع هدایت..... ۷۰

۷۱	۱-۴- مقدمه.....
۷۱	۲-۴- عوامل هدایت.....
۷۱	۱-۲-۴- خداوند متعال.....
۷۳	۲-۲-۴- تعقل.....
۷۴	۳-۲-۴- اراده.....
۷۵	۱-۳-۲-۴- اهمیت اراده از نگاه حکیمان.....
۷۶	۴-۲-۴- خودشناسی.....
۷۸	۵-۲-۴- تربیت نفس.....
۷۹	۶-۲-۴- طینت پاک.....
۸۰	۷-۲-۴- همنشینی با نفوس پاک.....
۸۰	۸-۲-۴- قران.....
۸۲	۱-۸-۲-۴- روش قران در هدایت انسان.....
۸۳	۹-۲-۴- پیامبران و انبیای الهی.....
۸۵	۱-۹-۲-۴- طریقه تعلیم و هدایت انبیا.....
۸۶	۲-۹-۲-۴- ویژگی هدایت پیامبران الهی.....
۸۷	۱۰-۲-۴- علم و حکمت.....
۹۰	۱۱-۲-۴- علما و دانشمندان.....
۹۱	۱۲-۲-۴- ایمان و عمل صالح.....
۹۴	۱۳-۲-۴- اخلاص.....
۹۶	۱۴-۲-۴- پیروی از رضای خدا.....
۹۶	۱۵-۲-۴- ذکر.....
۹۷	۱۶-۲-۴- تقوا و خویشترداری و مراقبت از نفس.....

- ۹۸.....۱۷-۲-۴- اسلام (تسلیم بودن در برابر حق).....
- ۹۹.....۱۸-۲-۴- کعبه.....
- ۱۰۰.....۱۹-۲-۴- سایر.....
- ۱۰۰.....۳-۳-۴- عوامل ضلالت (موانع هدایت).....
- ۱۰۰.....۱-۳-۴- پیروی از هوای نفس.....
- ۱۰۱.....۲-۳-۴- شیطان.....
- ۱۰۳.....۳-۳-۴- جهل به معارف الهی.....
- ۱۰۵.....۴-۳-۴- از یاد بردن قیامت.....
- ۱۰۶.....۵-۳-۴- حکومت‌های جور و محیط فاسد.....
- ۱۰۶.....۶-۳-۴- هم‌نشینی با افراد ناشایسته.....
- ۱۰۷.....۷-۳-۴- ظلم.....
- ۱۰۸.....۸-۳-۴- فسق.....
- ۱۰۹.....۹-۳-۴- کفر.....
- ۱۱۱.....۱۰-۳-۴- خودپسندی (عجب).....
- ۱۱۲.....۱۱-۳-۴- اسراف.....
- ۱۱۲.....۱۲-۳-۴- گناهان کبیره.....
- ۱۱۳.....۱۳-۳-۴- رضایت به زندگی این دنیا و اطمینان به آن.....
- ۱۱۳.....۱۴-۳-۴- پیوند دوستی با دشمنان خدا و پیامبر او.....
- ۱۱۴.....۱۵-۳-۴- کتمان حقایق.....
- ۱۱۴.....۱۶-۳-۴- محاسبات پنداری و موهوم.....
- ۱۱۵.....۱۷-۳-۴- بدعت‌گذاری در دین.....
- ۱۱۵.....۱۸-۳-۴- سایر.....
- ۱۱۶.....۴-۴- نتیجه‌گیری.....

فصل پنجم: ویژگی‌های مهندین و مضلین..... ۱۱۸

- ۱-۵- مقدمه..... ۱۱۹
- ۲-۵- ویژگی‌های مهندین..... ۱۱۹
- ۱-۲-۵- شرح صدر (بصیرت)..... ۱۱۹
- ۱-۱-۲-۵- نور علم..... ۱۲۱
- ۲-۱-۲-۵- نور امام..... ۱۲۲
- ۲-۲-۵- یقین..... ۱۲۳
- ۳-۲-۵- توکل بر خدا..... ۱۲۳
- ۴-۲-۵- ایمان به غیب..... ۱۲۵
- ۵-۲-۵- نداشتن خوف و حزن..... ۱۲۵
- ۶-۲-۵- صبر..... ۱۲۶
- ۷-۲-۵- تشخیص حق از باطل..... ۱۲۷
- ۸-۲-۵- هجرت، جهاد و مقاومت..... ۱۲۸
- ۹-۲-۵- دوری از انواع شرک..... ۱۲۹
- ۱۰-۲-۵- عدل..... ۱۲۹
- ۱۱-۲-۵- جبران خطاها و بازگشت به سوی خدا (توبه و انابه)..... ۱۳۰
- ۱۲-۲-۵- خوف و خشیت از خدا..... ۱۳۰
- ۱۳-۲-۵- حق‌جویی و حقیقت‌پذیری..... ۱۳۱
- ۱۴-۲-۵- شکرگزار بودن..... ۱۳۲
- ۱۵-۲-۵- ترک مرء و جدال..... ۱۳۳
- ۱۶-۲-۵- عدم تأثیر گمراهی دیگران به هدایت شدگان..... ۱۳۳
- ۱۷-۲-۵- سایر..... ۱۳۳
- ۳-۵- ویژگی‌های مضلین..... ۱۳۴
- ۱-۳-۵- ضیق صدر (عدم بصیرت)..... ۱۳۴
- ۲-۳-۵- شرک و کفر..... ۱۳۵
- ۳-۳-۵- یأس و ناامیدی..... ۱۳۶
- ۴-۳-۵- نفاق..... ۱۳۷
- ۵-۳-۵- عدم تفکر..... ۱۳۸
- ۶-۳-۵- ارتداد..... ۱۳۸
- ۷-۳-۵- تکذیب کردن معاد..... ۱۳۹
- ۴-۵- نظر صدرالمتألهین درباره طریق نیل به کمال و انسان کامل..... ۱۳۹
- ۵-۵- ویژگی‌های انسان ایده‌آل، هدایت‌یافته و کامل..... ۱۴۳
- ۶-۵- نتیجه‌گیری..... ۱۴۵

فصل ششم: فاعلیت خداوند و اختیار انسان در هدایت و ضلالت..... ۱۴۷

- ۱-۶- مقدمه..... ۱۴۸
- ۲-۶- دیدگاه محدثان اهل سنت در اراده مطلقه الهی و آزادی اراده انسان..... ۱۴۹
- ۳-۶- دیدگاه معتزله..... ۱۵۰

- ۶-۴- دیدگاه اشاعره..... ۱۵۱
- ۶-۵- دیدگاه متکلمان امامیه..... ۱۵۲
- ۶-۶- حکمت متعالیه صدرالمتهین..... ۱۵۶
- ۶-۶-۱- ارزیابی صدرالمتهین از نظریه راسخان در علم..... ۱۵۸
- ۶-۶-۲- جمع بندی نظریه حکمت متعالیه..... ۱۵۸
- ۶-۷- تبیین قول حق درباره اراده مطلقه حق تعالی و آزادی اراده انسان..... ۱۵۹
- ۶-۸- نقش خداوند در هدایت و ضلالت..... ۱۶۴
- ۶-۹- نتیجه گیری..... ۱۶۹

۱۷۲..... **منابع و مأخذ**

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱) مقدمه

انجام هر فعل هدفمندی به صورت کارا و اثربخش مستلزم انجام سه مرحله است؛ که عبارتند از هدفگذاری، برنامه‌ریزی جهت نیل به هدف و طی طریق. انجام پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این فصل برآنیم پس از ایجاد آشنایی به موضوع تحقیق، به تشریح هدف‌های انجام تحقیق و چگونگی انجام آن بپردازیم.

۱-۲) تعریف مسأله و تبیین موضوع

آفرینش هستی، غایتی دارد. هدف از آفرینش هستی دستیابی به کمال است. هر موجودی که هستی او عین ذاتش نیست، همانگونه که در اصل هستی خویش نیازمند هست بالذات است در تکامل خود یعنی راه رسیدن به کمال و در هدف آن، یعنی خود کمال، محتاج به کامل بالذات می‌باشد و آن هست بالذات و کامل محض است که موجود امکانی را به سوی کمال مقرر خود راهنمایی می‌کند. از این سنت الهی به هدایت تعبیر می‌شود. لذا هر موجودی که کمال او عین ذاتش نیست نیازمند به هدایت خواهد بود، خواه همراه با کمال آفریده شده باشد و خواه با پیمودن راه تکامل به آن رسیده باشد.

بنابراین قلمرو هدایت همه جهان امکان می‌باشد چه موجود ثابت و مجردی که کاملاً از مبدأ هستی صادر شده باشد و چه موجود متحرک و مادی که در افق ماده و سیلان خلق شده باشد. زیرا ممکن نیست هستی چیزی عین ذات او نباشد و او در اصل هستی خود به مبدأ محتاج بوده ولی در کمال و راه رسیدن به آن محتاج به مبدأ هستی‌بخش نباشد و چون هدایت نحوه‌ای از وجود است همانند وجود به ثابت و سیال تقسیم می‌شود و هدایت بعضی از موجودات نظیر اصل وجودشان ثابت و منزله از تدرج است و هدایت بعضی دیگر همانند اصل وجودشان سیال و تدریجی است. بنابراین قلمرو هدایت را همان قلمرو هستی امکانی باید دانست و اینکه هرگونه حرکتی در محدوده طبیعت همراه با هدایت بوده و از راه خاص به هدف مخصوص رهبری خواهد شد و هیچ موجود طبیعی جامد و ایستا نبوده و هیچ حرکتی نیز بدون هدف نخواهد بود. در نتیجه محدوده طبیعت محکوم به هدایت می‌باشد و مشمول هدایت همگانی خواهد بود «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى»، انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست و مانند دیگر موجودات عالم امکان هم در اصل وجود خود و هم در کمال

وجودی و راه رسیدن به آن، محتاج به هادی می‌باشد. لذا خداوند متعال این سنت را از طریق ارسال رسل و انزال کتب و عقل و فطرت، اعمال می‌نماید ولی این به معنای جبر نیست زیرا در این صورت فلسفه وجود هدایتگران الهی بی‌معنی بود، انسان مختار آفریده شده است، درست است که انسان بر اساس فطرت و عقل خویش به سوی کمال گرایش دارد ولی در مقابل، غضب و شهوت نیز در انسان وجود دارد که اگر از حد اعتدال خارج شود سر منشأ بسیاری از خطاها و انحرافات در او خواهد بود، لذا در مقابل هدایت الهی، دو گونه موضع‌گیری وجود دارد یا در برابر اوامر الهی و پیامبران او، و ندای عقل و فطرت خویش سر تعظیم فرود آورده و در صراط مستقیم که همان دین اوست گام برمی‌دارد که در این صورت هدایت خاص خداوند شامل حال او می‌شود به گونه‌ای که چشم دل او نوری می‌یابد که بوسیله آن از چنان بینشی برخوردار می‌شود که به سهولت موانع راه را برداشته و با توفیق الهی به سر منزل مقصود که همان رضوان الهی است نایل می‌گردد و یا اینکه تسلیم خواسته‌های نفسانی می‌گردد که در این صورت هدایت خاص الهی را از دست داده و دچار ضلالت الهی که همان خذلان و عقوبت دنیوی و اخروی است می‌گردد. در این رساله تلاش شده است به بررسی هدایت و ضلالت از منظر کلام امامیه و حکمت متعالیه با استناد به آیات و روایات، پرداخته شود. پس از بررسی موارد فوق به این نتیجه رهنمون شدیم که اعتقادات و اعمال بر طبق تعالیم و حیانی باعث مشمول هدایت الهی قرار گرفتن انسان می‌گردد و در مقابل تبعیت از هوای نفس و جهل باعث گمراهی انسان می‌شود. همچنین هدایت و ضلالت صفت ذات نیستند و در مقام فعل، ضلالت امری عدمی است ولی از آن جا که این انتخاب با اراده خود انسان است و این اراده را خداوند در اختیار انسان قرار داده است ضلالت به خداوند نسبت داده می‌شود و نیز نقش اصلی با خود انسان است البته به عنوان فاعل قریب و سلب آن دوری از عقل یا پیروی هوس است. روش تحقیق در این پایان‌نامه کتابخانه‌ای و استفاده از اینترنت می‌باشد.

۱-۳) پیشینه تحقیق

هدایت و ضلالت یکی از موضوعات مهمی است که نقش اساسی در زندگی انسان دارد لذا قرآن مجید بیش از ۲۲۶ آیه پیرامون این موضوع ذکر کرده است. مفسرین بزرگی همچون ابوالفتوح رازی در روض الجنان،

ملا محسن فیض کاشانی در تفسیر صافی، طبرسی در مجمع البیان، علامه طباطبایی در المیزان، آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین و بسیاری دیگر به بررسی و تفسیر این معنا پرداخته‌اند. متکلمین شیعه و سنی نیز به تبیین این مسأله پرداخته‌اند از جمله به علامه حلی، خواجه نصیرالدین طوسی، شیخ طوسی، سید مرتضی می‌توان اشاره نمود. فیلسوفان اسلامی نیز در کتبی مانند اسفار اربعه، مبدأ و معاد، شرح اصول کافی، رساله سه اصل، شواهد الربوبیه، ولاءها و ولایت‌ها، مجموعه آثار، حکمت متعالیه، به شرح و بررسی آن پرداخته‌اند.

۱-۴) سوالات اساسی تحقیق

در این میان سؤالاتی مطرح می‌شود که ما را در نیل به نتایج مطلوب یاری خواهد کرد؛ من جمله:

- ۱- هدایت و ضلالت چیست و مراتب و اقسام آنها کدامند؟
- ۲- عوامل و موانع هدایت کدامند و ویژگی‌های مهتدین و مضلین چیست؟
- ۳- آیا انتساب دو مفهوم مخالف به ساحت حق توجیه عقلانی دارد؟
- ۴- آیا انسان در رسیدن به هدایت و ضلالت نقش دارد یا اینکه خداوند برخی را هدایت و برخی را گمراه می‌سازد؟

۱-۵) پاسخ‌های احتمالی به سوالات اساسی تحقیق

در پی طرح سؤالات فوق، پاسخ‌هایی احتمالی به ذهن متبادر می‌گردد که به ترتیب به شرح ذیل بدانها اشاره می‌گردد:

- ۱- در کلام سه معنا برای هدایت و ضلالت ذکر می‌کنند. همچنین در کتب تفسیری و فلسفی معانی چندی برای آن ذکر شده است که در همه این دیدگاه‌ها هدایت به معنای واحدی ذکر گردیده است.

۲- به صورت اجمالی به نظر می‌رسد اعتقادات و اعمال، طبق تعالیم و حیانی باعث مشمول هدایت الهی قرار گرفتن انسان می‌گردد. در مقابل تبعیت از هوای نفس و باقی ماندن در جهل باعث گمراهی و ضلالت انسان می‌گردد.

۳- هدایت و ضلالت صفت ذات نیستند و در مقام فعل، ضلالت امری عدمی است ولی از آن جا که این انتخاب برخاسته از اراده انسان است و این اراده را خداوند در اختیار انسان قرار داده است، ضلالت به خداوند نسبت داده می‌شود.

۴- براساس اختیار اثبات شده در حکمت، کلام و نصوص قرآنی، نقش اصلی در هدایت و ضلالت، با خود انسان است البته به عنوان فاعل قریب یا قابل و سلب آن، دوری از عقل یا پیروی هوس است.

۱-۶) ضرورت تحقیق و هدف

چندین هدف برای تحقیق حاضر می‌توان نام برد که به شرح ذیل می‌باشد.

۱- آشنایی با معانی تفسیری و کلامی و فلسفی هدایت و ضلالت

۲- آگاه شدن به مراتب و اقسام هدایت و ضلالت

۳- بحث پیرامون عوامل و موانع هدایت

۴- شناخت ویژگی‌های مهتدین و مضلین

۵- فاعلیت خداوند در هدایت و ضلالت و نقش انسان در این امر اساس کار قرار می‌گیرد.

۱-۷) روش انجام تحقیق

گردآوری اطلاعات و ایده‌ها بر اساس روش اسنادی با اتکا بر تکنیک مطالعات کتابخانه‌ای و رایانه‌ای می‌باشد.

۸-۱) ساختار و بدنه اصلی تحقیق

ساختار تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

در فصل دوم به معانی هدایت و ضلالت در کتب تفسیری، فلسفی و کلامی پرداخته می‌شود تا مشخص شود که آیا معنای این دو واژه در همه این متون یکسان است یا اینکه دیدگاه‌های متفاوتی نیز وجود دارد. در فصل سوم به اقسام و مراتب هدایت از دیدگاه حکمای حکمت متعالیه و متکلمین شیعه پرداخته می‌شود و به انطباق این دیدگاه‌ها بر آیات قرآن تصریح می‌گردد. در فصل چهارم عوامل و موانع هدایت تشریح می‌شود. فصل پنجم به ویژگی‌های مهتدین و مضلین اختصاص دارد. در نهایت در فصل ششم نحوه فاعلیت خداوند و اختیار انسان در هدایت و ضلالت تبیین می‌شود. در این فصل آیاتی که به ظاهر بیانگر جبر هستند بیان می‌گردد و آیاتی که هدایت و ضلالت را به خدا نسبت می‌دهد تفسیر می‌گردد. همچنین به نقش انسان در هدایت و ضلالت و نحوه تأثیر انسان در اعمال خود و نیز به علت ضلالت انسان در قرآن پرداخته می‌شود.

۹-۱) محدودیت‌های پژوهش

با توجه به گستردگی بسیار زیاد موضوع هدایت و ضلالت در کتب مختلف تفسیری، کلامی و فلسفی، پوشش دادن تمامی این مباحث مستلزم صرف زمان، انرژی و منابع کتابخانه‌ای زیادی بوده است که در پژوهش حاضر این امور در حد توان و بضاعت نویسنده انجام شده است.

۱-۱۰) نتیجه‌گیری

در این فصل تلاش گردید به تبیین و تشریح موضوع تحقیق، اهداف انجام آن، ضرورت انجام آن، سوالات تحقیق و پاسخ‌های احتمالی به آن و روش انجام پژوهش پرداخته شود. پس از آشنایی اجمالی به اهداف و طرح تحقیق برآنیم تا با انجام پژوهش به اهداف تحقیق دست یابیم. لذا در ادامه در فصل دوم به معنا و مفهوم هدایت و ضلالت در تفسیر، کلام و حکمت متعالیه پرداخته خواهد شد. در فصل سوم به اقسام و مراتب هدایت و ضلالت پرداخته می‌شود. در فصل چهارم عوامل و موانع هدایت و ضلالت بیان می‌گردد. در فصل پنجم به ویژگی‌های مهندین و مضلین پرداخته شده و در فصل ششم به فاعلیت خداوند در هدایت و ضلالت و میزان اختیار انسان در این امر پرداخته خواهد شد.

فصل دوم

هدایت و ضلالت در تفسیر، کلام و حکمت

۲-۱) مقدمه

نخستین قدم در راه شناخت هدایت و ضلالت، شناخت این دو واژه به لحاظ معنای لغوی و مفهوم اصطلاحی است. لذا در ابتدا به معنای این دو واژه در کتب تفسیری و کلامی و فلسفی می‌پردازیم تا مشخص شود که آیا معنای این دو واژه در همه این متون یکسان است یا اینکه نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی نیز وجود دارد. همچنین «هدایت» و مشتقات آن و نیز «ضلالت» و مشتقات آن از آیات قرآن استخراج می‌گردد.

۲-۲) هدایت و مشتقات آن در قرآن

در جای جای قرآن مجید، هدایت و مشتقات آن به شرح زیر استعمال گردیده است:

هُدًى^۱، هُدًى^۲، هُدًى^۳، هُدًى^۴، هَدَيْتَنَا^۵، هَدَيْتَنَا^۶، هَدَيْتَنَا^۷، هَدَيْتَنَا^۸، هُدًى^۹، هُدًى^{۱۰}، هُدًى^{۱۱}، هُدًى^{۱۲}

^۱. بقره، ۱۴۳؛ انعام، ۹۰؛ نحل، ۳۶؛ اعراف، ۳۰؛ طه، ۵۰.

^۲. بقره، ۱۲۰؛ آل عمران، ۷۳؛ انعام، ۷۱؛ زمر، ۲۳.

^۳. بقره، ۲، ۵، ۳۸، ۹۷، ۱۸۵؛ آل عمران، ۴، ۹۶، ۱۳۸؛ مائده، ۴۴، ۴۶؛ انعام، ۹۱، ۱۵۷، ۱۹۴؛ اعراف، ۵۲، ۱۵۴، ۲۰۳؛ یونس، ۵۷؛

یوسف، ۵۷، ۱۱۱؛ نحل، ۶۴، ۸۹، ۱۰۲؛ اسراء، ۲؛ کهف، ۱۳؛ مریم، ۷۶؛ طه، ۱۰؛ حج، ۸، ۶۷؛ نمل، ۶۷؛ قصص، ۴۳، ۵۰؛ لقمان، ۵،

۲۰؛ سجده، ۲۳؛ سبأ، ۲۴؛ غافر، ۵۴؛ فصلت، ۴۴؛ جاثیه، ۲۰؛ محمد، ۱۷.

^۴. آل عمران، ۱۰۱.

^۵. آل عمران، ۸.

^۶. انسان، ۳؛ بلد، ۱۰.

^۷. انعام، ۸۷.

^۸. صافات، ۱۱۸.

^۹. حج، ۲۴.

^{۱۰}. بقره، ۳۸؛ طه، ۱۲۳.

^{۱۱}. بقره، ۲۷۲؛ نحل، ۳۷؛ توبه، ۱۱۵.

^{۱۲}. سجده، ۱۳.

^{۱۳}. نحل، ۱۲۱.

هدائی^{۱۴}، هداکم^{۱۵}.

۲-۳) معانی هدایت در کتب تفسیر

۱- لطف و توفیق الهی: در برخی از تفاسیر، هدایت به معنای لطف و توفیق الهی تفسیر گشته است. فهرست آیات و تفسیر مربوطه آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

نحل، ۳۶: «فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَفَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ»^{۱۶}.

کهف، ۱۳: «نَحْنُ نُقْصُ عَلَيْكَ نَبَاهَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى»^{۱۷}.

مریم، ۷۶: «وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا»^{۱۸}.

^{۱۴} انعام، ۱۶۱؛ زمر، ۵۷؛ انعام، ۸۰.

^{۱۵} بقره، ۱۸۵، ۱۹۸؛ حج، ۳۷؛ حجرات، ۱۷.

^{۱۶} خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۲، ص ۳۳؛

«تفسیر شریف لاهیجی»، ج ۲، ص ۷۱۱؛ «تفسیر عاملی»، ج ۵، ص ۳۴۱؛ «تفسیر اثنا عشری»، ج ۷، ص ۲۰۰؛ «تفسیر القرآن الکریم»،

ج ۱، ص ۲۷۰؛ «تفسیر صافی»، ج ۳، ص ۱۳۴؛ «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۸، ص ۱۲۰؛ «تفسیر نمونه»، ج ۱۱، ص ۲۲۳.

^{۱۷} ما داستان آنها را به حق برای تو بازگو می‌کنیم؛ آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان

افزودیم «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۶، ص ۷۰۱؛ «تفسیر اثنا عشری»، ج ۸، ص ۲۱؛ «تفسیر شریف لاهیجی»، ج ۲، ص ۸۷۷؛

«روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۲، ص ۳۲۸؛ «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۳، ص ۲۵۰؛ «تفسیر صافی»، ج ۳، ص ۲۳۴؛ «تفسیر ابن

عربی»، ج ۱، ص ۳۹۷.

^{۱۸} کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید؛ و آثار شایسته‌ای که (از انسان) باقی می‌ماند، ثوابش در

پیشگاه پروردگارت بهتر، و عاقبتش خوبتر است «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۶، ص ۸۱۷؛ «تفسیر اثنا عشری»، ج ۸، ص ۲۱۸،

«تفسیر لاهیجی»، ج ۳، ص ۳۷؛ «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۳، ص ۱۱۵؛ «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۴، ص ۱۰۲.

انعام، ۸۰: «وَ حَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا».^{۱۹}

لقمان، ۵ و ۳: «هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».^{۲۰}

نحل، ۳۷: «إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ».^{۲۱}

آل عمران، ۱۰۱: «وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلَى عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».^{۲۲}

محمد، ۱۷: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ».^{۲۳}

^{۱۹} قوم او (ابراهیم) با وی به گفتگو و ستیز پرداختند؛ گفت: «آیا درباه خدا با من گفتگو و ستیز می‌کنید؟ در حالی که خداوند با دلایل روشن مرا هدایت کرده و من از آنچه همتای (خدا) قرار می‌دهید نمی‌ترسم مگر پروردگارم چیزی را بخواهد» تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۷۸۵؛ «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۷، ص ۳۵۸.

^{۲۰} مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران است همانان که نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و آنها که به آخرت یقین دارند آنان بر طریق هدایت از پروردگارشانند و آنان رستگارانند «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۵، ص ۲۷۹.

^{۲۱} هر قدر بر هدایت آنها حریص باشی، (سودی ندارد چرا که) خداوند کسی را که گمراه ساخت هدایت نمی‌کند؛ و آنها یاورانی نخواهند داشت «تفسیر اثنا عشری»، ج ۷، ص ۲۰۱؛ «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۲، ص ۳۳؛ «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۶، ص ۵۵۴.

^{۲۲} و چگونه ممکن است شما کافر شوید، با اینکه (در دامن وحی قرار گرفته‌اید) و آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و پیامبر او در میان شماست؟ (بنابراین به خدا تمسک جوید) و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست هدایت شده است «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۴، ص ۴۵۷؛ «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۲، ص ۸۰۳؛ «تفسیر عاملی»، ج ۲، ص ۱۵۱.

^{۲۳} کسانی که هدایت یافته‌اند، (خداوند) بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد «روض الجنان و روح الجنان»، ج ۱۷، ص ۳۰۱؛ «تفسیر اثنا عشری»، ج ۱۲، ص ۱۱۴.

۲- دلالت و راهنمایی به حق: در برخی از تفاسیر، هدایت به معنی دلالت و راهنمایی به حق تفسیر گشته است. فهرست آیات و تفسیر مربوطه آنها به شرح زیر می باشد:

یوسف، ۱۱۱: «هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».^{۲۴}

انسان، ۳: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».^{۲۵}

یونس، ۵۷: «بَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مُوعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ».^{۲۶}

صافات، ۱۱۸: «وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ».^{۲۷}

قصص، ۴۳: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِّلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ».^{۲۸}

نمل، ۲: «هُدًى وَ بُشْرَىٰ لِّلْمُؤْمِنِينَ».^{۲۹}

^{۲۴} هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می آورند «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۴۱۶؛ «تفسیر شریف لاهیجی»، ج ۲، ص ۵۷۱؛ «تفسیر سورآبادی»، ج ۲، ص ۱۱۹۲.

^{۲۵} ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد یا ناسپاس «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۲۰، ص ۱۲۲؛ «تفسیر صافی»، ج ۵، ص ۲۵۹.

^{۲۶} ای مردم اندرزی از سوی پروردگارتان به سوی شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۱۷۸؛ «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۰، ص ۷۹؛ «تفسیر اثنا عشری»، ج ۵، ص ۳۴۰؛ «تفسیر عاملی»، ج ۵، ص ۸۶؛ «تفسیر شریف لاهیجی»، ج ۲، ص ۳۷۲؛ «تفسیر سورآبادی»، ج ۲، ص ۱۰۲۰.

^{۲۷} و آن دو را به راه راست هدایت نمودیم «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۸، ص ۷۱۲؛ «روح الجنان و روح الجنان»، ج ۱۶، ص ۲۲۳؛ «تفسیر سورآبادی»، ج ۳، ص ۲۱۰۶؛ «مفاتیح الغیب»، ج ۲۶، ص ۳۵۲.

^{۲۸} و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آنکه اقوام گروه نخستین را هلاک نمودیم؛ کتابی که برای مردم بصیرت آفرین بود، و مایه هدایت و رحمت؛ شاید که متذکر شوند «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۷، ص ۳۳۸؛ «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۸، ص ۸۲۱؛ «تفسیر شریف لاهیجی»، ج ۳، ص ۹۲۱؛ «تفسیر سورآبادی»، ج ۴، ص ۲۲۰۲؛ «روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم»، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

فصلت، ۴۴: «قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ».^{۲۹}

فصلت، ۱۷: «وَ أَمَّا الثَّمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ».^{۳۰}

لازم به ذکر است که هدایت به این معنا، در قرآن شریف برای همه بندگان خدا، خواه سپاسگزار نعمت‌های او یا ناسپاس به نعمت‌های او، آمده است؛ چرا که خداوند در کتاب خویش، همه انسان‌ها را به حق و عدالت و ارزشهای والای انسانی و توحیدی راه می‌نماید و راه اوج گرفتن به سوی کمال معنوی را به روشنی به همه می‌نماید.^{۳۱}

۳- بیان و حجت: در برخی از تفاسیر، هدایت به معنای بیان و حجت عنوان گشته است. فهرست آیات و تفسیر مربوطه آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

آل عمران، ۱۳۸: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ».^{۳۲}

اعراف، ۲۰۳: «قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».^{۳۳}

^{۲۹} وسیله هدایت و بشارت برای مؤمنان است «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۷، ص ۳۳۰؛ «تفسیر اثناعشری»، ج ۱۰، ص ۹؛ «تفسیر شریف لاهیجی»، ج ۳، ص ۴۰۷؛ «تفسیر سوره‌آبادی»، ج ۳، ص ۱۷۵۴.

^{۳۰} بگو: (این کتاب) برای کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت و درمان است؛ ولی کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌هایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی‌بینند آنها (همچون کسانی هستند که گویی) از راه صدا زده می‌شوند «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۷، ص ۳۹۹؛ «تفسیر اثناعشری»، ج ۱۱، ص ۳۸۱.

^{۳۱} اما ثمود را هدایت کردیم «روض‌الجنان و روح‌الجنان»، ج ۱۷، ص ۶۷؛ «تفسیر شریف لاهیجی»، ج ۴، ص ۱۰؛ «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۹، ص ۱۲؛ «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۱۷، ص ۳۷۷؛ «تفسیر نمونه»، ج ۲۰، ص ۲۴۵.

^{۳۲} بیستونی، محمد، تفسیر بیان (برگرفته از مجمع‌البیان)، ج ۱، ص ۱۵۲.

^{۳۳} این، بیانی است برای عموم مردم؛ و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۴، ص ۲۴؛

«روض‌الجنان و روح‌الجنان»، ج ۵، ص ۷۹؛ «تفسیر صافی»، ج ۱، ص ۳۸۵.

^{۳۴} بگو: من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند «روض‌الجنان و روح‌الجنان»، ج ۹، ص ۵۰.